

کتابخانه ایرانی شرفروز
1986
Iranische Bibliothek in Hannover

خبرنامه

۱ / ۹ / ۱۳۵۸

چریکهای
فدائی خلق
ایران

م - از - دران

باید در جریان مبارزه توده‌مادر و سر

شکل وسط‌حی که باشد قوار

داشت و آنرا ارتقاء داد



عم مېهناڼ عزيزو!
چيرکېسای فدا ائس خلس
برای پيښور امر مارو
شدیدا! به کټ صالحی شما
نیاړنده . این ککېا
را بوساید مقضی
واژ لرون دلمنی که خود
ی شما سید در اختیار
صا قرار دئید

پیام چریک‌های فدایی

خلق ایران به

خلق قهرمان گرد

انگسار جنبش خلق کرد یکی از صاعقه‌ترین تحولات مبارزه آوازی غوغای را میگذراند.
ارتجاع حاکم که با اعلام جهاد کاذب به مبارزه با جنبش خلق اللبانه عین کرد برخواست
رسی نمود با گسیل ارتز و پاسداران و مسلح کردن نژادهای سابق و عوامل قیاده
موت به سرکوب و خدیان این جنبش بپردازد اکنون بر برابر مقاومت قهرمانان که
با تیر به یک عقب‌نشینی موقتی مد . عاملی که ارتجاع از این جنگ برد آن بود که
تنها بچهره واقعی خود را در نزد تمامی خلقهای ایران آشکار ساخت . مقاومت قهرمانان
مانند تنها موجب شد که جنبش خلق کرد گستره هر چه بیشتر بیابد بلکه سدی مد تا
رژیم نتواند به سرکوب تمام عیار دیگر خلقها بپردازد به این مناسبت ما لازم دیدیم
که این پیروزه بزرگ را از صمیم قلب به شما فداییان گوئیم . در حقیقت این تیر یکی
است به تمامی خلق ایران . نادبای است به تمامی انقلابیون راستین میهنمان .
پیروزی کنونی شما اکنون و لایف عینی را در پیروزی شما قرار داده است . دست
ارتجاع و عقب‌نشینی او ، تنها و تنها عامل مبارزات مسلحانه خلق قهرمان کرد
استان و دیگر خلقهای ایران است . ماهیت ارتجاع به پیروجه تغییر نکرده است . پس
این عقب‌نشینی نباید باعث فریب ما گردد . حاکمیت اگر دست به عقب‌نشینی زده
است تنها به این خاطر است که بار دیگر خود را سازمان داده و در شرایط مناسبتری

به تهاجم مجدد بپردازد. عقب نشینی کنونی حاکمیت تنها تدارک برای تهاجم جدیدی است. پس بر انقلابیون کرد است تا از مرایلی که بوجود آمده در جهت هر چه بیشتر سازمان دادن خلق کرد بهره جویند و خلق را برای مقابله با یورش جدیدی که آینده آغاز خواهد شد آماده سازند. خلق کرد باید برای مقابله با یورش که در پیش است هر چه بیشتر متشکل شود و هر چه بیشتر مسلح گردد. تجربیات خلقهای سراسر جهان ثابت کرده است که تنها و تنها یک خلق مسلح است که آهسته آهسته آزاد زیستن است. اکنون در فضای ایجاد شده باید به جمع بندی تجربیات جنگهای اخیر پرداخت و از آن برای آماده سازی هر چه بیشتر نیروی خلق سود جست. باید به افشای تمامی جزایات هائی که ارتجاع در تمامی این مدت چه در کرمان و چه در راپاله با سایر خلقها انجام داده است پرداخت و چهره واقعی رژیم را هر چه بیشتر افشا نمود. خلق کرد خود بهتر میداند که خود مختاری خویش را تنها در چهار چوب ایران نسبی آزاد و دموکراتیک کسب خواهد کرد و پیروزی خلق کرد تنها با پیروزی تمامی خلقهای امکان پذیر است و آنچه بدست آمده، پیروزی لحظه ای است که تنها در نبردهای آینده هر چه بیشتر عمق یافته و امکان تحقق واقعی می یابد. پیروز باد مبارزات قهرمانانه خلق کرد.

هر چه گسترده تر باد مبارزات حق للبلد نه خلقهای ایران
مرکز بر نریب کارائی که مبارزین کرد را خدا نقابین میخوانند
ورگ بر امیر بالیم و سنگهای زنجیر

با ایمان به پیروزی را همان

چریکهای فدائی خلق ایران ۹/۱ / ۵۸

انجمن و گزارشات

نجم کشاورزان "لات محلله" در خیابان گلجان شهسوار

در ساعت ۳/۴ دقیقه بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۳/۸/۵۸ تجمعی با شرکت عده‌ای از کشاورزان لات محلله بخش گناباد شهسوار خیابان گلجان صورت گرفت.

این تجمع بخاطر درگیریهای کشاورزان این روستا با بنام تقی خان خلعتبری انجام شد و ادامه تا اهرلی بود که در روز جمعه ساعت ۷ بعد از ظهر ۳۰/۱/۵۸ با شرکت ۲۰۰ نفر از کشاورزان صورت گرفته بود.

این کشاورزان مدتی متوجهی بنام "غروی" را کتک میزدند. علت این حرکت کشاورزان بدین قرار بود که غروی دستور داده بود ۶۰۰ اصله از درخت روستائیان را قطع کنند / غروی این کار را بخاطر حمایت از تقی خان خلعتبری صورت داد که اکنون فراری است انجام داده / کشاورزان لات محلله از تیام تا کنون ۴ بار "بدانگاه عدل اسنادی" (۱۴) شکایت کردند / مامور رسیدگی به پرونده هر چهار بار بنا به علی پرونده را مورد رسیدگی قرار نداد. البته این عمل وی با توسیحه مد غروی صورت میگردید. مد غروی بهصورت کتک خوردن از دست کشاورزان بداندک دگانی پناهنده شد.

کشاورزان شمار میدادند "ما پاسدار نمیخواهیم" و "ما خورد غروی را محاکمه خواهیم کرد".

زمین از آن کسی است
که روی آن کار میکند

در نوکلان غربی ساین تریه در کیلومتر ۱۸ جاده با بل جنوبی قریب قرار دارد و ۶۱۲ هکتار در آن زندگی میکنند.
 مساحت زمین مزروعی یا باغ و کبکات کشاورزان در این تریه کفا با احتیاجات مادی مردم را نمی داند.
 محصولات که از این ناحیه بدست می آیند بر تنال و برنج میباشد ۱۰۰ الی روستا از مدتها پیش درگیری آشکاری با
 «طایفی حسینجان کلانتری» (آلشتی) که قبل از سال ۴۲ مباحث و کدندای روستا بود، داشتند. موضوع درگیریها ،
 امتزاج زمینها فی بود که بدست همین روستائیان آباد شده بود اما نا صبرده توانسته بود با استفاده از
 «فرصتها و مناسب» و فقر مشکلات مالی مردم روستا با شرایط، تحمیلی از روستائیان غصب کند . روستائیان قبلا
 نیز برای بازستاندن حق خود بها عامه بودند اما بدلیل نفوذی که این زمیندار و فرزندانش در دستگاههای
 عریضه نویسی و اداری رژیم سابق و ارگانهای سرکوب آن از قبیل ژاندارمری ، ساوا و ... داشتند ، و بسین این
 ارگانها برای سرکوب روستائیان حرکت حین طلبانه شان مورد توجیه و تأیید شد و به نتیجه مشخصی نیا نتایج
 اکنون پس از گذشت ۱۵ سال از این ماجرا روستائیان آنگاه تصرف زمینهای را که به نفع از آنان ستانده
 شده بود ، ننوده اند زمیندار برای حفظ زمینها ، به حیل و متوسل بست و ابتدا مرفق شد بتوسل چند نفر قریبی
 بدند که اقل نیمی از زمینها برای خودش بداند و نیمه دیگر به روستائیان واگذار گردد . این در شرایطی بود
 که ارگانهای نیمه پاشیده زور ، قدرت متاثره با حرکت حق طلبانه دهقانان را نداشتند . اما آغاز کلانتری
 به پشتگری سیاستهای دولت که در جهت تاسفید روستاها گذشته بود ، بر تلاش خود برای حفظ زمینهای غصبی ترس
 چه بیشتر افزود و برای موفقیت و غلبه قانونی قضیه و کیلی را به استخدام خود در آورد .
 اما با وجود همه تاشهای خود ، در مقابل عظیم کشاورزان نتوانست کاری از پیش برد و روستائیان روز پنهان
 ۵۸۸/۱ تصمیم گرفتند تا بنیمه زمین را نیز بتصرف خویش در آورند و با وجود برخی مشکلات و موانع ، این کار را
 با تمام رساندند . غروب روز جمعه که با تصمیم قبلی ، عده ای مشول نصب بازگارد در محله عمومی روستا بودند
 تا همگان را از گونگی قضایا آگاه نمایند و همچنین خواسته های خود را توسط آنها اعلام دارند ، مزدوران و
 جیره خواران بسوی آنان حمله ور گشتند اما تا حمایت وسیع روستائیان را از آنان مشاهده نمودند با بقرار
 گذاشتند در جریان جنگ و گریز بین این مزدوران و روستائیان که به ساختمان خانه زمیندار مذکور کشیده شد ،
 در پی پنجره و شیشه های ساختمان خود شد اما جیره خواران توانستند از دست مردم بگریزند . آنان که دیگر شکست
 خود را حتمی دیدند ، برای زمینها ساز و بجهت اقدامات قانونی در آینده ، دو موتور سیکلت و آغل گوسفندان را به
 آتش کشیده ، گرفتند . صبح روز شنبه ، یک جیب با چند سر نشین نظامی در محل حاضر شدند و با استوار مذاکره با
 و بهران روستائیان شدند اما روستائیان در جواب گفتند " ما ما در زیر ستم " . سپس گفتگوی بین زمیندار و نگاه
 باز جویی از جانب نظامیها آغاز شد که تا روز یکشنبه با اول انجامید و در تمام روستائیان تراسته شد بنیمه
 ماجرا را از " جرای قانونی " دنبال کردند ^{مجلس} نتایج درونی حاکمیت شدید نبود ، تا نوشتن بهمان و تفکر و زندان خود
 اما اکنون که از سرکوب روستائیان ناتوان بودند آنان را به پیروز، لژ قانون دعوت میکردند .
 شب روز دوشنبه پیروز عزیمت بشهر جهت تحقیق قانونی ، جریان ، روستائیان بدعوت "تورا و سلمی" به زمین مزبور
 وارد شده هر یک چند قلعه نهال (پرتال) گذاشتند و صبح روز بعد ساعت در محل دادگستری با بل اجتناب کردند .
 اما از همجریان قانون اثری نبود . اگر قرار بود به ظلمات آنها با نور عادالته رسیدگی شود ، حمایت زمینی را
 سکه همجریان کار کرده و با عن جبین آباد کرده بودند بدانان بسپارند ، و این خان سیاستها و مواضع حاکمیت کنونی
 بود . نعم روستائیان این خاموشی و سرسریگی همجریان بعدی بود که تعدادی از آنان تمام شهر را در بمبجوی

انتخابات و گزارشات

مزدوران فوی (یکی از این مزدوران يك ستوان يكم پادگان می باشد) زیر پا گذاشتند و سرانجام چهار تن از آنان را در گاراژ (ایستگاه گنج افروز) بپاصصره خویش بر آوردند اما وهی آنها را تحویل پاسداران دادند / ایقان تحت این عنوان که (حق بازداشت نداریم) آزادشان کردند .

همزمان با این جریانات در شهر نیز بر علیه این حرکت حق طلبانه روستائیان سخنرانی ایراد شد و ختس از سوی روحانی شهر (روحانی) نماینده های بنام فیروز جانیان بهمراه فرمانده سیاه پاسداران / دادستان دادسرا و نماینده دادگاه انقلاب در محل حاضر شدند و این هنگامی بود که روستائیان دستجمعی در زمین مشغول کار بودند .

بنگام ظهر مردم در تکیه اجتماع کردند و آقای جانیان بی يك سخنرانی و مدمت عرج و مرج تلخ روستائیان را دعوت به آرامش نمود . اما یکی از روستائیان در پاسی گفت : ... شما ما را عرج و مرج طلب خواندید . با اکنون مدت ۸ ماه است که از دادگاه انقلاب به دادسرا / از برادسرا به تشریحی پنج نفری بودیم و لسی نتیجه ای بدست نیاوردیم . شما به زمیندار حکم قلابی دادید اما ...

سخنان او با داد و نریاد های یکی از نمایندگان امزای ناتمام ماند .

بهر حال . اکنون همه شب جوانان و کشاورزان تا صبحی در محل تکبیهائی میدهند و احدی از مزدوران را جرت عبور از آن حدود نیست . کشاورزان / زمینها را دستجمعی گشت کرده اند (گندم) و متحدا بکار خود ادامه میدهند .

تهران

ویداد های دردناکی که در حکومت روی میدهند ، نقاب عوامفریبی را از چهره ارتجاع حاکم دریده و ماهیت ضد مردمی آنها در روز سرز بیشتر فاش میسازد . این آگاهی به حقیقت باعث میشود که افرا و عناصر صادق استثنائی که اغفال شده ، بیچند گامی تحت تاویل تملیضات حاکمیت با نیت خدمت به خلق کار کردن در ارگانهای دولتی را بپذیرفته اند . بخود آیند و کارنامه خویش را در پیشگاه مردم لکهدار نشانند . از جمله بهترین مواردی مورد زیر است که در آن تعدادی از پاسداران ، با آگاهی از مصائب و زنجهای هم میهنان خود ، تبر اندازی بسوی آنان را بپذیرا نشدند . حوادث نفرت انگیز " قارچ از محدوده " بکبار دیگر تکرار شد و مردمی که بی سر پناه ، از ابتدائی ترین احتیاجات زندگی انسانی ، بون مسکن محرومند ، بار دیگر آماج حملات کور ارتجاع واقع شدند . قضیه بدینقرار است که چندی پیش مردم نقیر و ناقدمسکن که در بیابانهای اطراف تهران با رسن زندگی میکنند ، اقدام به خانه سازی در زمینهای آن نمودند که در مالکیت یکی از شاهپور ها بود ، نمودند اما بلافاصله دارو دسته مزدوران در محل حاضر شدند ، امر به تخریب خانه ها کردند . پاسداران که ۶ تن از آنان از سوی سپاه مستقر در شهرداری متعلقه بودند ، از سوی سپاه کمیته مرکزی بهمهراه دو نفر از مهندسین شهرداری متعلقه ، اویدمستور شهردار

تهران، توسلی به محل اعزام شده بودند چون با اعتراض مردم رویرو شدند بارف آنان حمله ور شده با
سازهای بی که به همراه داشتند (ژنده، کلت) مبادرت به تیر اندازی بسوز آنها و همچنین تیر اندازی خواهی
نمردند. اینتمثل غم مردم را بر انگیزت و بین دو طرف در گیری در گرفت در این ماجرا یکی از مهندسمین
بنام باقو از باز در آمد و دیگری بسفتی کف نمرد و پاسداران نیز بسوسله "اتر بسبیل از صحرکه می ریختند."
پس از این رویداد، مردم به شهرداری مشالته ۸ حمله کرده آنها به اشنال خود در آوردند و تا دو روز نیز
در آن محضن اختیار کرد، بودند. پس از این مدت با قول نمایندگان شهرداری مبنی بر عدم آزار رانیت و
تحقیقشان، آنها را ترف گفتند. اما این نیرنگ بازان مثل همیشه بسرعت خود را محض رنجور کرده بفکر مقلبله
با مردم نشستند بسستور شهردار تهران یکی از مهندسمین شهرداری یا بیضت بصنوان نماینده شهردار و سر
پرستی یک اکیف ماهور شد تا مردم را از آن مشالته بیرون بریزد. البته آنان قصد داشتند اینکار را تحت
عنوان "اثر رنالی" و برنامه ریزه پستی که با دیالان برای رفاه اعالی ریخته شده بودند، با آنها رمانند
مهندس مذکور از شهرداری متقاضی صد پاسدار ^{دستگاه} پند خود روی ارتشی مبنی به بلند گو و آژیر بسبیل و بند تپنده
سلاح سنگین را نمود. از سوی شهرداری ۵۰ پاسدار کمیته مرکزی و ۱۰ پاسدار از سپاه پاسداران (که دو
روزه در شهرداری مستقر هستند) در اختیار این آقا قرار داده شد و بسوسوزان شهرداری (رئیس اینراشیات
شهرداری مشالته ۸) نیز در سر پرستی پاسداران فون او را کس میکرد.
آنها با سلاح بی چون ژنده کلت و همچنین یک تیر بار کالیبر ۵۰ که روی جیب سوار شده بود به جنگ مردم
بی سلاحی میرفتند که تنها بواسطه شان مسکن بود.
پس از آغاز عطیات حمله، پاسدارانی که از سوی "سپاه پاسداران" اعزام شده بودند از شلیک بسوی مردم
خود داری کرده سلاحهای خود را زمین گذاردند.
این جریان بسوی نشان میدهد که اگر پاسداران استثنائی نتوانند تصمیم درست اتخاذ کنند و مهندسمین
آلتمت ارتجان و اشی شوند، سر انجام آتش کینه مردم خرمن دستی همه را بیبکمان باحمله خرین خواهد
کرد و "استثنا" "فدای" "ثاعده" خواهد شد.

اخبار و گزارشات

در این هفته :

۱- روستائیان "علی کتده" چپس هنکار زمین را که در مالکیت زمیندار بزرگ بود / بتفخ آنانی که روی آن کار میکنند / صادره نمودند . روستائیان محصول مرکبات زمین مزبور را بفروش رسانند . زمین را بتمسب خود درآوردند .
۲- ۱۳ هنکار زمین در قریه "حتکه پشت" متعلق به زمیندار بزرگ محل / توسط روستائیان صادره شد .
۳- تقسیم عقاید / یکی از وسایل پیشرفتهای که ارتجاع با توسل بآن / به جنس افکار شرقی میبرد .

همه هم میهنان سانسور و اختناق را که در رژیم سابق برقرار بود بخاطر دارند و باز بیاید میآوردند که چگونه چرا حکام بر مملوحت بر مجامع روشنفکری چون دانشگاهها / مدارس و . . . تحت فشار سر نیزه / چنان اختناق میآوردند که همه زمینهای رشد از جمله رشد فرمندی ما را متوقف ساخته بود .

حتما بیاید داریم که تودههای میهن ما برای احیا کامل این جو مرکب چه بویسته مبارزاتی را در سر گذراندند و اکنون در سایه "حکومت عدل اسلامی" همه دستاوردهای آن جانفشانیها پایمال مافع ردیلانه ارتجاع گشته است . برای فراهم کردن زمینه مناسب جهت تحقیق تودهها و جلوگیری از رشد افکار مفرق / به محیط های آموزشی بورش آوردند و مثلا استخدام معلمین را برای کادر آموزشی کشور با قیود اختناق آور و اسارت باری ضرورت ساختند . در این زمینه از استخدام ۴ تن از فارغ التحصیلان بهشهر و دو تن از فارغ التحصیلان گلرگاه / با آنکه قبلا در مصاحبه قبول شده بودند / جلوگیری بعضی آمد .

طی بخشنامه ای به مدارس فعالیت سیاسی دانش آموزان و نصب پوسترها / اعلامیهها و سایر نوشتجات اقسا - کزانه بر در و دیوار را ممنوع اعلام نمودند و حتی باینها نیز بسنده نکرده برای ششموی مفری جوانان و لن برای همه دبستانها / مدارس اعمائی / دبیرستانها / هنرستانها و دانشسراها بخشنامه ای صادر - نمودند و طبق آن از مسئولان خواستند که زمینه های آموزشی نظامی / سیاسی / تربیتی و تدارکات لازم برای پخش فیلم را تهیه نمایند تا دانش آموزان مورد آموزش قرار گیرند . اما شاید مضحکتر و پیشرفته تر از اینس نتوان یافت که کار این آموزش را "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" بعهده دارد () سپاهی که جنایات "قارنه" اثر برآستی لکه نتیکتی است که مرکز از دامنس پاك نمیشود و کشتار و هجوم وحشیانه و بگرو ببنده ی که در مورد کارگران / دهقانان و نیروهای مفرق بعضی می آورد / بهترین گواه ما عیبتند مرد میس است . تشکیلاتی که توده های ما خود شاعندند چه ولگردان / از همه جا رانندگان و . . . را در خود کرد آورده است . نمونه ای از عملکرد های این سپاه را در بندر کز میتوان دید . از حقوق اولیه آزادیهای اجتماعی / مجاز بودن به بیان عقیده فردی میباشند . اما حتی محیط لازم برای برآورده ساختن این ضرورت ابتدائی نیز فراموش نیست و هنگامیکه در یکی از مدارس شهر فرقی / شاگردی در کلاس درس انشای خیس را با جمله "بنساف

اشیاء و قرارهاست

خدا و بنام خلق قهرمان ایران "آغاز کرد / مورد اعتراض نوآموز دیگری قرار گرفت که این برخورد را "دوآلیستی" میدانست. از نام ما / دانش آموزی که نوشته خویش را میخواند / مریغ نظر از نوع ایده تولوری خویش حسن بیان آنرا داشت چه تنها در محیطی که در آن عقاید و آرا به تبادل نظر و بحث خلاق گذارده شوند میتوان به حقانیت این یا آن جهان بینی پی برد.

بهر حال معلم کلاس منور / اعتراض دانش آموز دوم را وارد ندانست و اظهار داشت که بیان عقیده حق مسلم هر کس است. دانش آموز معتزلی چون این برخورد را "شبه اسلامی" تشخیص میداد مینوع راه اطلاع "شبه پاسداران" رساند که این اقدام منجر به اعزام یک پاسدار به مدرسه شد. پاسدار / ریشوی ۱۸ / ۱۱ ساله ای که هنوز صیقلیت از مخزن همان معلم و اشغال او / در سر زندگی بیاموزد / چنین بگو مگو یا استناد و فحاشی و تنگ حرمت معلم در صیقل مدرسه / جبار و جنجال فراوانی برای بی آبرو کردن وی برپا انداخت. اقدامات مستولین / از جمله معلم برای بیرون راندن این پاسدار از محیط مدرسه منجر به وقوع درگیری شد. این تجاوز به حریم آزادیها منک نیشتری بود که در دل چهرکین کینه اجتماعی معلم را منجر کرد و باعث شد که پاسدار منور را بیگانه نوازش () بداند. اما بدنبال این ماجرا / این آموزگار را به مقر سپاس پاسداران کشانده / ضمن نثار رکبک ترین و بیشرمانه ترین فحشها / بیرحمانه مورد تخریب و شتم قرار دادند. برامتی که این سپاه / سپاسی که با تمام وجود در خدمت همه گونه اعمال شد مردی از جمله تشنیه عقاید استمر فقط آنست که همان پاسدار "نامیده شود. و گرنه کجا خون شهدای ما برای پروراندن این قارچها بر زمین ریخته شد ؟

اخبار و گزارشات

زمینه های ارتباط ارگانیک بین واحدهای تولیدی از طریق نمایندگان کارگران

مسئله‌ای که پس از قیام در اکثر واحدها بچشم میخورد / اخراج عده‌ای از مدیران است که سیاستهای ضد کارگری آنان زمانزد خام و عام بود ولی حاکمیت برای این مشکل راه حل "جالبی" انتخاب نمود تا است رفتن کارگران مدیر ضد کارگری را اخراج مینمایند / مدیر مذکور از طریق زد و بند های اداری همانند گذشته خیلی راحت با یک درجه ارتقا مدیر یک واحد دیگر در همان شهر و یا یک شهر دیگر می شود مثلا مدیران اخراجی شرکت ایران پولین در رشت را بعنوان مدیران و عضو هیئت مدیره شرکت ریستندگی میافند - کی کارخان "بهریس" در اصفهان منصوب میکنند و یا مدیر اخراجی شرکت "برک" را در شرکت "نخ تاز" و یا مدیر اخراجی "کیلدن قرش" را در "پارس نیت" والی غیرالذنهاییه . . . این پدیده تا بدینجا گسترش میابد که برای دو واحد مجاور هم میسر میشود .

با توجه به این امر که مبارزات کارگران برای تصفیه واحدها و تمرکز در سطح مدیریت بسیار این کار خنثی میشود . شوراهاى کارگری احساس مینمایند که ارتباط ارگانیک آنها میتواند از این اقدام ضد کارگری که با همراهی وزارت صنایع / مستریش و نو سازی و سایر سازمانهای دولتی انجام میگردد جلو - لبرى نمایند . از اینرو شورای کارگری يك کارخانه در شهر رشت که حدود ۱۰ نفر از مدیران ضد کارگری خود را اخراج نموده است در يك نشست به بررسی این پدیده مینشیند و لزوم ارتباط هر چه بیشتر بین شوراها را تأیید نموده است و خود این شورا اولین گامهای عملی جهت ارتباط را صورت میدهد و در رابطه با این مسئله اسناد و مدارکی که بر علیه مدیران اخراجی خود تهیه دیده اند در صورت لزوم به واحدهایی که مدیر اخراجی در آن منصوب میشود ارائه خواهد شد .

اخبار و گزارشات

تهران

(گزارش از شرکت داریوش دکتر عبیدی)

روز شنبه ۱۹/۸/۵۸ طبق قرار قبلی کارگران اخراجی در ساعت ۶/۴۵ دقیقه در مقابل کارخانه اجتماع کردند. تعدادی از کارگران قدیمی پس از آگاهی از خواسته های کارگران اخراجی به جمع این کارگران پیوستند و از آنان حمایت نمودند و گروهی دیگر به داخل رفته و مشغول کار شدند. حدود ساعت ۷/۳۰ دقیقه بود که یکی از اعضای حزب جمهوری اسلامی به نام آقای خنجری به محل کارخانه آمد و به جمع کارگران اخراجی پیوست. قبل از اینکه آقای خنجری شروع به صحبت کند یکی از کارگران اخراجی خواسته همه کارگران اخراجی را برای آقای خنجری بازگو کرده و از آقای خنجری خواست تا این مسائل را در حین مذاکره با نمایندگان کارفرما مطرح کند.

۱ - بازگشت همه کارگران اخراجی به محل کار.

۲ - تشکیل شورای واقعی کارگران.

آقای خنجری شروع به صحبت کرد و گفت: طبق مذاکره ای که با مسئولان کارخانه انجام شد آنها موافقت نمودند که جز ۸ تن از کارگران / دیگر کارگران اخراجی اجازه ورود به محل کار را نداشته باشند اما کارگران یکصد خواهان بازگشت همه کارگران بر سر کار شدند. آقای خنجری برای انجام مذاکره به داخل کارخانه رفت. در اجتماع کارگران اخراجی یکی از کارگران اخراجی گفت: «شادان بود» شروع صحبت کرد. در ابتدای صحبتش همه کارگران اخراجی را دعوت به اتحاد نمود و از آنان خواست برای احقاق حقشان مقاومت نمایند. سپس در مورد اخراج بی مورد خود و ۲ تن دیگر از کارگران صحبت کرد. در رابطه با این مسئله اینطور گفت که: از جانب وزیر کار نماینده ای جهت بازدید به کارخانه فرستاده شد. نماینده ای که از جانب وزیر کار آمده بود. هنگام ظهر در محل سلف سرویس کارخانه با کارگران به گفتگو نشست که صحبتها در حوال حکمرانی وضع سند بیکارها بود. در حین صحبت ماسه نفر به عنوان اعتراض به سندیکا شروع به صحبت کردیم و گفتیم این سندیکا یک سندیکای فرمایشی است و نمایندگان نیز از کارکنان این کارخانه هستند.

کارفرما به دلیل اینکه ماسه نفر به سندیکا اعتراض کردیم ما را اخراج نمود. همه ما ما میدانیم که کارفرماها هیچ تغییری نکرده اند کارفرمای ما بعد از انقلاب با گذاشتن ریش میخواست ماهیت خود را نیز پیش کارگران در کون شده جاوه دهد. تازه با فراهم کردن تدارکات برگزاری نماز جماعت در کارخانه میخواست با این عوام فریبی صحنه بیشتر ماهیت کیف خود را بیوشاند. حالا خودتان قضاوت کنید. الان اول زمستان است با این بیکاری و سرما چگونه میتوان زندگی کرد. در مطبی یک هفته با اصرار جماعت مکرر به وزارت کار پیغام گذاشتند. برو خانه کارگر ما نماینده وزارت کار را به آنجا میفرستیم بعد از مراجعه به کارخانه و صحبت با نماینده ندیم تازه زنده وزارت کار بدام آورده وزارت کار

پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران

اخراج و گزارشات

را به من مید... و آخر مرد حسانی مکرین جلاقم یا کورم که آدرس وزارت کار را ندانم بیکارم گفتند به گفته ۱۳
مراجعه کنید. برادران و خواهران بروید بپرسید پاسدار کمیته ۳ آتحنان در گوش یکی از کارگران زد که کارگر

اخراجی مربوطه کوشد ولی ما با اتحادمان به آنها نشان خواهیم داد. ما کارگران نباید پشت به یکدیگر
کنیم باید باهم متحد شویم. ماسه نفر آنها صد نفر/ ما با هم متحد میشویم و حقان را بجاییم

همسر این کارگر اخراجی نیز که در آنجا حضور داشت جنین اظهار داشت: من نیز مانند شوهرم در این کارخانه
کار میکردم و بر اثر خستگی کار استعفا دادم درست پس از یک هفته که از استعفا من گذشت شوهرم را از کارخانه

اخراج کردند حالا هر دو بیکاریم، ماهی ۷ تومان نیز باید بابت اجاره خانه بپردازیم...
ازند اگر نمایندگان وزارت بهداشت با کارگران در حضور نمایندگان کارفرما مینویسند جهت رسیدگی به مشکلات

درمانی آنان انجام گیرد نیز سخن بیان آمد و یکی از کارگران حاضر در روز آکرات که از خشم سوخ شده بود گفت:
صحبتهای اینها نیز کفکی بما نخواهد کرد. وقتی که من از مشکلات کارگران صحبت میکنم/ آقای نماینده کارفرما

در حضور نمایندگان وزارت بهداشت با تسخر میگوید من هم مشکلاتی دارم / پسرم در آمبولی است که
نمیوانم برایش پول بفرستم (د) برادران و خواهران کارگر / مشکل ما شکم گرسنه است/ اجاره خانه ای است

که باید سر بچ بپردازیم / مشکلمان و بچه های سرمازده و گرسنه هستند / باید خوب بدانیم کسی بفریادمان
نخواهد رسید خودمان نهایت تلاشمان را بکنیم

پس از مدتی آقای خنجری مجدداً بیان جمع آمده و اظهار داشت که نتایج مذاکرات به آنجا رسید که کارگران بر
سرکار بروند و ۸ نفر را نیز به مدت یک هفته بهرخص اجباری با حقوق بفرستند بر طبق این یک هفته نیز انتخابات شورا

را انجام دهند و شورا را به اخراج یا ورود این ۸ نفر به درون کارخانه تصمص بگیرد حال آنکه این نماینده
کارگران میناشد. کارگران اخراجی به این امر اعتراض نمودند و گفتند: «یا همه ببریم سرکار یا هیچ کدام»

برای دومین بار خنجری پس از مذاکره بیان جمع آمد و گفت: مسئولان کارخانه موافقت نمودند که ۳ تن از این
۸ تن را بسرکار بازگردانند. اما اخراج ۵ نفر دیگر حتمی است. اینجانب نیز با مخالفت جمع روبرو شدند.

حدود ساعت ۱ بود که آقای خنجری برای سومین بار پس از انجام مذاکره در رابطه با اخراج ۵ نفر اینطور گفت که:
مسئولان کارخانه موافقت نمودند که طی ۸ روز هرروزه یک نفر از کارگران حق رفتن بسرکار را دارند حال باید

توجه داشت که چه حمله ای در پس این راه حل نهفته است. اگر در طی ۸ روز نخواهند کارگران را بطور تک تک سر
کار ببرند در پایان روز سوم ۵ نفر دیگر از کارگران را میتوانند بعلت حاضر نشدن بر سر کار برفت سه روز اخراج نمایند

(اگر کارگر سه روز غیبت داشته باشد خود بخود اخراج میشود) و کارفرما بدین طریق میتواند خواست
خود را عملی کند. این بار نیز من پیشنهاد با مخالفت همه کارگران روبرو شدم. برای بار چهارم آقای خنجری

کارگران را به داخل کارخانه خواند و با در دست داشتن برگه استخداً یکی از کارگران زویه کارگران اخراجی
نمود و گفت آیا همه شما این چنین برگه ای را برودن کرده اید؟ همه کارگران جواب مثبت دادند آقای خنجری

سپس گفت: در آخرین ماده این برگه درخواست آمده است که چنانچه پس از یک هفته کار در کارخانه رضایت سرپرست
را جلب نماید استخداً رسمی خواهید شد البته مدت یک هفته را یادست میداند به سه ماه نموده بودند. آقای خنجری

از جانب نمایندگان کارفرما میخواست اخراج کارگران را قانونی جلوه دهد. این خلیه تازه توسط نمایندگان کارفرما

اخبار و گزارشات

صحت گرفته بود زیرا اگر چه آنها در محل همواره حتی همان قوانین قدیم مردمی خود را نیز نداشتند اما میخواستند
و انمود کنند که آنها را رعایت میکنند اما بهرحال این بزرگ مسخره نیز موفق نبود چون همه کارگران استخراجی
بیش از یکمینه بر سر کار بودند . برای پنجمین بار آقای خنجری در گفتگو با کارگران گفت : کار ما با استخدا هم
همه موافقت نموده غیر از یک نفر و آنهم شخصی بود که در تاریخ ۹ / ۸ / ۵۸ کارگران به عنوان اعتراض به اخراج وی دست
به انتصاب زده بودند . نهاله کار تابه اینجاها کشید و شاه بود حالا اینها میخواهند دوباره همان یکفرا
استخدام نکنیم . کارگران باین " راه حل " نیز مخالفت نمودند .
آخرین خیزش رسید و از شرکت در روزی در کربندی

روز شنبه ۲۶ / ۸ / ۵۸ در ساعت ۷ / ۱۲ دقیقه کارگران جدید و چند تن از کارگران قدیمی مجددا در سطوی در کارخانه
جمع شدند و این ترحلی خانی بود که حتی در سویی آمد و شد برای انتقال کارگران به کارخانه اقدام ننموده بود .
تعدادی از کارگران آن آزمایشگاه نیز در محل حضور یافتند ضمن خواندن اعلامیه ای پشتیبانی خود را از کارگران
ایرا دادند . خلقی قراقرق نیز با یون اگر تا صبح شنبه نیز مسائلشان بدل نشد و با شد / از دیوار کارخانه بالا
رفته خود را به زور آن برسانند تا از انتظار بیش از حد برای تحقق وعده و وعید ها (علف زیر پایشان سبز نشود)
کارگران در ساعت ۵ / ۹ دقیقه باین تصمیم جامعه عمل پوشانند و نخست نفر از آنان / پس از آنکه در میان شوی
نگرانی و انتظار دیگران بدرون کارخانه پریدند / از داخل قفل در را شکستند و بدین ترتیب همه کارگران به داخل
کارخانه هجوم بردند این جریان با شلیک ده تیر هوایی پاسد اران همراه شد و خشونت که تابه حال نرفته باقی
بود / جوانه زر - هریبا کارگران دست به اقداماتی بجای برای کسب حقوق خود بجزند / یا همین وضع ضروری
شوند . جای خوشبختی است که در این جریان یکی آمیخی وارد نمیداد اما آنکارا است کارگران برای آنکه
قریبی منافق رد پلانه دشمن خلق و مزدوران آنها واقع نشوند باید آینه ای نگری داشته باشند و بیسی کند به
برخورد جدی موفقیت فردا را تضمین نمایند . درحالی که کارگران خود را بدرون سان نینسانند / همه ماشین
حامل پاسد اران نیز رسیدند چند تن از آنان برای آنکه محلی جهت حمله و سرکوب نیابند بفرمانده اخراج
گزارش دادند که " کارگران قصد حمله و تصاحب اسلحه هایمان داشتند " در صورت یافتن اوراق امضا و امضا
که نمایندگان را برای غذا گزه از جمع جدا کرد و محکم دیگری بزرگ آنها میماند که برای چنین چیزی در این شهر
با مخالفت شدید کارگران زور و گشت بالاخره در ساعت ۵ / ۲ / ۱۲ دقیقه / آقای خنجری پیسره نمایند و اعزای
و اورات صنایع و معادن محل آمدند . این آقا نیز از حضور در محل اتجمع کارگران کم آنان را " غیر قانونی " و عدولانه
خواند . (۱) سپس موافقت شد که با نمایندگی های کارگران و نماینده وزارت صنایع و معادن به طبقه
پایین رفته / مذاکره نمایند / نماینده از برای دیگر وزارت صنایع او معادن نیز که بعد از ساعت ۲ بعد از ظهر
به آنجا آمد / کارگران را " غیر قانونی " خواند و سپس قول داد که با تنظیم گزارش مربوط به کارخانه و تسلیم آن به
مسئولین در دوره مشکلات آنها حل کند تا آنکه اکثریت کارگران اذعان نمودند تا محل تصویب نمایند محل کارخانه را
ترک کنند / آقا نیز از مدتی گفتگو سر انجام فرستاد انجرا ترک کرده روز بعد در سطوی وزارت صنایع و معادن
حضور یافت تا بیظن به پاسخی به آنها داده نخواهد شد / با این تصمیم کارگران کارخانه را ترک کردند /

اخبار و گزارشات

تهران : ۲۱ / ۸ / ۵۸

گزارشی از راهپیمایی کارگران *

هم میهنان عزیز میدانند که امروز بیکاری در مملکت پیدا نمیکند . کارگران شریف که در گذشته با مشارکت فعال خود کمر خند انقلاب را شکستند / امروز زیر بار شداید و مشکلات زندگی خرد میشوند بی آنکه شمره شیرین مبارزات قهرمانانه خود را مزه مزه کرده / حتی به کمترین حقوق و آرزوهای خویش دست یافته باشند . آنانکه میدانند باید خود ب فکر خصوم بزنند از حاکمیت ارتجاعی کنونی انتظار بر آوردن خواسته هایشان را نداشته باشند هر چند گاه یکبار برای حفظ ارتباط و آگاهی از مشکلات یکدیگر و اتخاذ تصمیمات مناسب جهت تحقق آرزوهایشان در خانه کارگر اجتماع میکنند و در گذشته مادیدیم که امپریالیسم و مزدوران داخلیش تاب تحمل این وضعیت و تحکیم پیوند بین کارگران را نداشتند و به همین جهت آنان را از این امکان / یعنی "خانه کارگر" محروم ساختند اما کارگران دلیر / با قهر انقلاب خویش آنرا باز ستاندند . آنچه در زیر میخوانید جریانی است که جندی پیش در این مکان روی داده است و یکی از شاهدین عینی آنرا شرح میدهد .

ابتدا چند تن از نمایندگان کارگران سخنرانی کردند و سرانجام یک راهپیمایی بسوی وزارت کار اعلام شد . یکی از نمایندگان گفت : از اینجا تا وزارت کار صبریم . و نیز با بیرون میکشیم . در عنصر کثیفی هم اگر خواست حمله کند کارگران چنان او را میزنند که جسدش هم پیدا نشود . نماینده بلندگو اعلام همبستگی های مختلفی را که رسیده بود / خواند . جمعیت که تعدادشان حدود (۲۰۰۰ - ۱۵۰۰) نفر بود راهپیمایی را آغاز میکنند که بدون هیچ اتفاقی و با نظم شروع شد . پاره ای از شمارهایی که در ضمن راهپیمایی داده میشد بقرار زیرند :

کارگر / چمکنش دشمن امپریالیسم	حرف ما حرف شماست / مردم بما ملحق شوید
سرمایه دار / خونخوار نابود باید گردد	سلطه آمریکایی نابود باید گردد / جاسوسان امریکا اخراج گردند
کاربرای بیکار ایجاد باید کرد	حقوق بیکاری برای بیکاران برداخت باید گردد
امریکا بازخ مازنده است	با قطع جریان نفت / امپریالیسم مرده است
برای احقاق حق زحمتکشان اتحاد	پیمانهای نظامی با امریکای خونخوار الفنا باید گردد
پیمانهای امریکا افشا باید گردد	کارگران بیکار / سرمایه داران خونخوار / اصلا باهم یکی نیست
سرمایه دار مزدور عامل هرقساد است	

زق و بجد گرسنه صبر سرش نمیشه / دولت سرمایه داری حرف سرش نمیشه
حدود ۲۰ - ۱۰ موتورسوار با قافله چند تری جلو بودند / نماینده ما هم جلوی صف جمعیت زیاد در پیاده روی با راهپیمایان حرکت میکردند . مردم سوار بر اتوبوس هم با حیرت نگاه میکردند . ساعت ۱۲ / ۳ جمعیت به بزرگ وزارت کار رسیدند . چند تیر هوایی از طرف پاسداران مستقر در وزارت شلیک شد یک لحظه هرج و مرج و هتد فرار که البته عده ای فرار کردند . نماینده ما با قوت تمام پیش میرفتند ناگهان جمعیت شمار "مرگ بر ارتجاع را از ته قلب میداد و مرگ بر امریکا . جمعیت پیشرفت پاسداران به یکی از نماینده ما که راننده بود گفت به لونه شون فرار کردند . جمعیت بدرون پارکینگ مجاور طبقه صفت وزارتخانه رفت . عده ای از ماشینها بالا رفتند که مورد اعتراض قرار گرفتند . اندکی بی نظمی و هرج و مرج بوجود آمد . بعد شیشه در ب ورودی به ساختمان با شدت تمام شکسته شد

اخبار و گزارشات

در همین حین یکی از نمایندگان کارگران خود را به بالای اتومبیلی که در آنجا پارک شده بود رساند تا برای جمع صحبت کند اما سر صحبت میگرداشت یا بر زمین کوبید و در آن روز آقایان / بهادران اما کسی نوشتن بدینکار نبود . جمعیت بعد از شکستن شیشه داخل ساختمان شد . بعد از آنها حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر بودند .

یکی از نمایندگان دادرز : اعمال ما در مسئولیت داره بدون فکر کار نمیکردم خواهش میکنم هرکس تصمیم نگیرد ما نماینده داریم . جایگاهی برای صحبت کردن درست کردند . نماینده کارگران بر بالای آن قرار گرفته شروع صحبت کرد (جمعیت کمی آرام شده بود) : ما نماینده داریم و نایبیم هم تصمیم بگیرد اگر قبول ندادید دوباره نماینده انتخاب کنید من هم کارگری مثل شما هستم . ما با تصمیم تان قصد انجام چندین کاری را داشتیم . دنبال ما . نماینده بیابالا بطیقت هم میروند تا با وزیر و پسر صحبت کنند . وزیر برده یا با ما بکشد . پس از بیان تعلق کوتاه او / ده ای زیاد بدارت بالا رفتند . که از . تن بیشتر میشدند . بعد از دقایقی چند / یکی از نمایندگان برگشت / گفت : حرفشان آیه که همانطور که اطلاع دارید وزیر کار عوض شده و ضیاع نماینده وزیر میگردد تنها مسئول دم / باید با شورای انقلاب در دست نخست وزیر آقای بنی صدر تماس بگیریم و نتیجه را بشما بگویم . شما هم این جا با شریک تا نتیجه قطعی معلوم شود ما تا دو ساعت فرصت میدیم / تا با حرکتی دلش خواست تماس بگیرد ما تا جنوب نگیریم از اینجا ضرریم . ساعت ۶ بعد از ظهر صدای عده بسیار ممدودی شنیده شد که بر علیه جمع درون وزارت کار شعار میدادند : + شعارشان " الله اکبر " بود مسئول بلند گو گفت : یک عده پاساژ و طایفه از سر نماینده دار بر علیه کارگر شعار میدادند و میگفتند توده ای - فدائی انگل اجتناعی / ما کارگریم و بهیچ گروه و دسته هم وابسته نیستیم . اما بیرون بین دو طرف درگیری ایجاد شد و یک کارگر آباد این باد و دستمال خونینی به داخل آمده غریب دزد : آینه جمهوری اسلامی / خون بر راهای ما را میریزین . جمعیت داخل مشتعل شد . همه میخواستند خود را بحوضه بیرون برسانند و بهیچ جهت هیچ وسیله و پوش بطرف بیرون آواز شد .

نماینده ها خارج شد (بیرون همایی روز بن بود) ساعت ۲/۵ دقیقه ضیا نماینده وزیر پائین آمد . اصدار جمعیت برای آنکه او از بالای جایگاه برایشان سخن بگوید بی نتیجه ماند و او بارنگ تیزی برید و در لجنه تریس بر لب میگفت همینجا حرف میزنم . خلاصه با میانجیگری نماینده کارگران در محاصره دوحلقه کامل از کارگران ... خندان را شروع کرد . ضیا گفت : بهیچگاه تلن اینهم کسی نیست : (آقای بنی صدر نبود / از شورای انقلاب کسی جواب نمیداد و من هنوز تسهیلاتی را برای شما فراهم میکنم دستور میدهم در پاشگاه را برایتان باز کند . یکی از کارگران مجاور آقای ضیا با تسخرگشت وزارت کار ایداع میکنند بیست ساعت کاری میکنند در صل کار نیستند . عده جمعیت بلند شد نماینده کارگران گفت : بله تسهیلات داریم یا نه این تیر شلیک میکند / حلقه میکند / جاقق میزنند (دو نفر جاقق خوردند و به بیمارستان منتقل شدند) بله تسهیلات داریم . ضیا رنگش از پیش بیشتر بریده شد لیکن کدائی بر لبانش یک لحظه ظاهر شد و بطرف بالا حرکت کرد نماینده کارگران مادرك لزوم جلوگیری از هیچ و مرج که چند لحظه قبل ایجاد شده بود به یکی دیگر از نمایندگان گفت : بیک مسئول بلند گواتناب کن تا هرکس تصمیم نگیرد . کارنظم دادن به جمع سازمان دادن درست افراد در جمعیت حساب شده و لازم همخان آمده است که من جمع کارگران را ترک کنم

اخبار و گزارشات

نوشهر

۲۷ / ۸ / ۵۸

روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۶

روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۶ بزرگ مقام رئیس آموزش و پرورش نوشهر بدنبال درخواست متوالی و مبارزات و اعتراضات هنر جوانان هنرستان صنعتی نوشهر در محل هنرستان حضور یافت و هنر جوانان خواستهای خود را مبنی بر موارد زیر با او در میان گذاشتند سرویس حمل و نقل ویژه / کمترین امکانات و وسایل کارگاهی و آموزشی / و سایر مسائل اما او اعلام نمود که امکانات همین است که میبینید و فعلا کاری از دست ما ساخته نیست. هنر جوانان نیز از روز یکشنبه سر کلاس حاضر شدند تا خواستهایشان بر آورده شود. لیکن متاسفانه بین هنر جوانان دو دستگی وجود دارد و از سازمان یا فتگی برخوردار نیستند. هنر جوانان مبارز که برای کسب حقوق صنفی سیاسی خود دست بهر شکلی از مبارزه میزنند، باید بدانند تا نیروی خود را یکپارچه نکنند / تا اختلافات خویش را در جهت دستیابی به وحدتی اصولی بر مبنای موضعی انقلابی حل نکنند / بزودی به نتیجه مطلوب خواهند رسید.

- ۱ - قانون اساسی حق آزادی بیان و عقیده را در لفظه فعالیت " ضد اسلامی " ممنوع اعلام میدارد.
- ۲ - قانون اساسی حقوق اقلیتها را زیر پا میگذارد.
- ۳ - نام ارتش شاهنشاهی مزدور را به نام ارتش جمهوری اسلامی تغییر داده و بعنوان ارتش ملی به مردم معرفی میکند.
- ۴ - قانون اساسی نمایندگان باطلان منتخب مردم را به عروسکهای خیمه شب بازی شورای نگهبان تبدیل میکند.
- ۵ - قانون اساسی گارد جاویدان شاهنشاهی را به لباس پاسداران در آورده است.
- ۶ - قانون اساسی حاکمیت سرمایه داری وابسته با لباس متدیس مآبی است.
- ۷ - قانون اساسی حدود و اختیارات "قانونی" و "غیر قانونی" شاه را بصورت قانونی به در آورده و به "ولایت فقیه" سپرده است.
- ۸ - قانون اساسی بجای خان شاهنشاهی عماد مومنان را گذاشته است.

درود به شاگردان واقعی صدا بهرگی

به یاد رفیق شهید / سید تقی نیکساز

تاریخ مبارزات سرپا خونین خلق کویرما / یکبار دیگر مرگی جانگد ازرا دردل خویش مشقوش ساخت / شنبسه
خونین دیگری / بر (شنبه سرخ) افزوده گشت / و زمان / درگذشت غم انگیز فرزند برومند دیگری از طبقه
کارگر مپهستان را بتاريخ ۲۶ / ۸ / ۵۸ بر لوح خویش حک نمود .
(اوستاسی) فرزند جهل دو سال رنج توان فرسا / سبیل غرور آميز تابع خودو جسم کاملی از سرشت
انقلابی و خصلت خاص طبقاتی بود / همواره پیونده و سازش ناپذیر .

با آنکه در عقنوان جوانی (احساس مسئولیت درقبال خلق) او را به مبارزه تحت پرچم (حزب توده)
کشاند / اما همینکه دریافت این حزب / (حزب بیاد) (حزب خیانت) و (حزب ریزه چینی ازخوان قدرتمندان
روز) است / همینکه فهمید این حزب فاقد تئوری انقلابی و در اندیشه و عطرکرد فاقد جوهر پرولتزی است /
با نفرت از آن روی گرد اند و یک چشم پس از آغاز جنبش نوین کمونیستی و مبارزه صلحانه در میاهگل /
او که پیبندگان راستین راه پرولتریا سر انجام یافته بود / صادقانه خویش را در خدمت کک پیوریخ به مرام آنان
قرار داد و از آن پس تاروی که شریک شهادت نشید تنها به یک چیز میاندیشید و آنهم
" راه سرخ چپ سوسیالیستی است / هرچند درگذشت او بر اثر يك سانحه طبیعی
و در اثر لغزش از روی بام اتفاق افتاد / اما کارنامه مبارزاتی او افتخار آهیز تر از آن است که از دست دادش

را درگی سانه بچکدريم .
انده رفتش مانع از آن نمیشود که راه سرخ هیچه فصال تر دنبال گردن و با بشوات سراسر زندگیش
سوزگانه بخوریم که تا تمکن آبرمانهای والای انسانی او / دمی آزبای نشینیم .

با ایمان به پیوری راهمان

چونك های فدائی خلق ایران
سازند . ران

جاودان باد یاد شهیدای بخون خفته خلق